

Research Paper

Comparison of Feedlot Performance and Carcass Yields of Native Calves×Holstein and Native Calves× Simmental Crossbreds

Azadeh Mirshamsollahi¹, Alireza Talebian Masoudi² and Ramazan Ali Azizi³

1- Assistant Professor, Agriculture and Natural Resources Research Center of Markazi Province, Agricultural Research, Education and Extension Organization (AREEO), Arak, Iran, (Corresponding author: Iranmirshams@yahoo.com)

2- Assistant Professor, Agriculture and Natural Resources Research Center of Markazi Province, Agricultural Research, Education and Extension Organization (AREEO), Arak, Iran

3- Research Instructor, Agriculture and Natural Resources Research Center of Markazi Province, Agricultural Research, Education and Extension Organization (AREEO), Arak, Iran

Received: 12 June, 2023

Accepted: 3 December, 2023

Extended Abstract

Background: Markazi Province is recognized as one of the important centers for calf fattening in the country. This province is home to over 4.4% of Iran's total cattle and calf population, with 370,000 head of cows and calves, including purebred, hybrid, and native breeds. It ranks twelfth among the provinces in the country. Additionally, with the production of 15,000 tons of beef and veal, it accounts for approximately 3.3% of the national beef and veal output. In recent years, there has been significant interest from livestock breeders in the province for fattening Simmental calves, due to their calm temperament, better meat production efficiency, and adaptability to the province's weather conditions. This interest has prompted the province's livestock improvement deputy to implement a project aimed at scientifically assessing the productivity and fattening characteristics of this breed. Since no research has been conducted in the province to compare the growth and feedlot performance of crossbred Holstein and Simmental calves, and there is limited information about carcass characteristics and suitable slaughter weights of cattle breeds in the region, calf breeders lack detailed knowledge about the productivity, feed consumption, growth traits, and carcass quality of different breeds. Therefore, this study was conducted to compare the fattening and carcass characteristics of male Simmental and Holstein crossbred calves in a fattening unit in Markazi Province that had the necessary conditions and facilities for the project (including a scale and adequate space).

Methods: Sixty male calves with an average weight of 150 to 200 kg were divided into two groups (treatments). One group consisted of 30 Holstein crossbred calves, and the other group included 30 Simmental crossbred calves, ensuring minimal differences in weight and body condition between the two groups. Balanced and optimal diets were formulated for each group based on the nutritional needs of the calves (according to their weight) and the available nutrients in the unit, following the nutritional requirements outlined in the NRC tables for beef cattle (2016). Balanced diets were provided based on Total Mixed Ration after a 14-day feeding adaptation period. The average consumption of fodder and concentrate was adjusted to a ratio of 40 to 60 throughout the entire period. Daily feed was provided to the calves three times a day, according to their appetite. Daily feed intake was recorded. Calves were weighed monthly after a 12-hour food deprivation and before morning feeding, and the feed conversion ratios for the animals in each group were calculated. The fattening period continued until the calves reached the desired weight. At the end of the fattening period, five calves from each group were weighed and slaughtered after 12 hours of food deprivation, and their carcass weight, yield, and fat thickness at the 12th rib were measured. Comparisons between the two groups of calves in different weight categories were performed using an independent t-test with SPSS statistical software.

Results: The results indicated that the total weight gain during the fattening period was 360 kg for Simmental hybrids and 336 kg for Holstein hybrids, showing a higher weight gain (24 kg) in the Simmental group ($P = 0.03$). The average monthly and daily weight gains for Simmental and Holstein hybrid calves during the breeding period were 40 kg and 37.30 kg per month, and 1.33 kg and 1.24 kg per day, respectively ($P = 0.032$). The average daily dry matter intake during the fattening period for Simmental and Holstein hybrid calves was 8.05 kg and 8.28 kg, respectively,

although this difference was not significant. The mean feed conversion ratio for the entire fattening period was 6.05 for Simmental and 6.67 for Holstein, indicating a significant difference between the two treatments ($P = 0.04$). The mean carcass yield for Simmental and Holstein hybrid calves at the end of the 9-month fattening period was 55.45% and 52.27%, respectively, with a significant difference between the two treatments ($P = 0.01$). The thickness of dorsal fat between ribs 12 and 13 was 6.05 mm for Simmental and 6.75 mm for Holstein, while the thickness of the straight muscle in the same rib range was 53.62 mm for Simmental and 51.4 mm for Holstein ($P = 0.035$). **Conclusion:** The results demonstrated that Simmental hybrid calves exhibit better efficiency in terms of growth, feed yield, and carcass and meat characteristics compared to Holstein hybrid calves. Therefore, for the economic production of meat and the domestic supply of red meat, it is recommended that some feedlot farms in the country consider breeding this high-yielding breed, if feasible.

Keywords: Crossbred calves, Fattening, Holstein, Simmental, Yield

How to Cite This Article: Mirshamsollahi, A., Talebian Masoudi, A., & Azizi, R. A. (2024). Comparison of Feedlot Performance and Carcass Yields of Native Calves×Holstein and Native Calves× Simmental Crossbreds. *Res Anim Prod.* 15(1), 46-54. doi:[10.61186/rap.15.43.42](https://doi.org/10.61186/rap.15.43.42)



مقاله پژوهشی

مقایسه عملکرد پروار و بازده لاشه گوساله‌های آمیخته بومی با هلشتاین و
سیمنتال در پرواربندی صنعتیآزاده میرشمس الهی^۱، علیرضا طالبیان مسعودی^۲ و رمضانعلی عزیزی^۳

۱- استادیار پژوهشی بخش تحقیقات علوم دامی مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان مرکزی، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، اراک، ایران،
(نویسنده مسؤل: Iranmirshams@yahoo.com)

۲) استادیار پژوهشی بخش تحقیقات علوم دامی مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان مرکزی، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، اراک، ایران

۳- مربی پژوهشی بخش تحقیقات علوم دامی مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان مرکزی، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، اراک، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۲

صفحه: ۴۶ تا ۵۴

چکیده مبسوط

مقدمه و هدف: استان مرکزی از جمله قطب‌های مهم پرواربندی گوساله در کشور تلقی می‌شود. این استان با دارا بودن ۳۷۰ هزار رأس گاو و گوساله اعم از اصیل، دورگ و بومی، بیش از ۴/۴ درصد از کل جمعیت گاو و گوساله ایران را در اختیار داشته و در بین استان‌های کشور حائز مقام دوازدهم می‌باشد. ضمن اینکه، این استان با تولید ۱۵ هزار تن گوشت گاو و گوساله حدود ۳/۳ درصد تولید گوشت قرمز گاو و گوساله کشور را به‌خود اختصاص داده است. در سال‌های اخیر علاقه زیادی از سوی دامداران استان برای پرواربندی گوساله‌های نژاد سیمنتال، به‌دلیل آرام بودن و بازده تولید گوشت مطلوب‌تر و نیز سازگاری با شرایط آب و هوایی این استان به‌وجود آمده است که این مسئله نیز باعث تمایل و درخواست معاونت بهبود تولیدات دامی استان جهت اجرای پروژه‌ای به‌منظور تعیین بازده و خصوصیات پروار این نژاد به‌صورت علمی و مستند شد. از آنجا که در استان پژوهشی جهت مقایسه بین عملکرد رشد و پروار گوساله‌های دورگ هلشتاین و سیمنتال انجام نشده و اطلاعات اندکی از ویژگی‌های لاشه و وزن‌های مناسب کشتار نژادهای گاو در استان وجود دارد، پرواربندان گوساله اطلاعات دقیقی در مورد میزان بهره‌وری، مصرف خوراک و صفات رشد و کیفیت لاشه گوساله‌های نژادهای مختلف در اختیار ندارند. لذا این پژوهش به‌منظور مقایسه صفات و ویژگی‌های پروار و لاشه گوساله‌های نر دورگ نژادهای بومی- هلشتاین و آمیخته‌های نژادهای بومی - سیمنتال در یکی از واحدهای پرواربندی استان مرکزی که شرایط و امکانات لازم برای اجرای پژوهش را داشت (داشتن باسکول و جایگاه مناسب و کافی)، انجام شد.

مواد و روش‌ها: تعداد ۶۰ رأس گوساله نر با میانگین وزنی 10 ± 16 کیلوگرم به دو گروه ۳۰ رأسی تقسیم شدند (گروه اول گوساله‌های دورگ بومی هلشتاین و گروه دوم گوساله‌های دورگ بومی- سیمنتال). به‌نحوی که کمترین تفاوت از نظر وزن و وضعیت بدنی بین دو گروه وجود داشت. برای هریک از گروه‌ها، بر اساس احتیاجات مواد مغذی گوساله‌ها و با توجه به مواد خوراکی مناسب و قابل دسترس در واحد، جیره‌های متعادل و بهینه بر پایه جداول NRC گاوهای گوشتی سال ۲۰۱۶ تنظیم شد و خوراک‌های کاملاً مخلوط متوازن بعد از طی یک دوره عادت دهی ۱۴ روزه، در اختیار گوساله‌ها، قرار گرفت. میانگین میزان مصرف علوفه به کنسانتره در کل دوره حدود ۴۰ به ۶۰ تنظیم گردید. در طول دوره پروار، خوراک مصرفی روزانه در سه نوبت و تا حد اشتها در اختیار گوساله‌ها قرار گرفت. میزان خوراک مصرفی روزانه گوساله‌ها ثبت شد. دام‌ها ماهیانه یک بار پس از ۱۲ ساعت محرومیت از غذا و قبل از تغذیه صبح توزین شدند و سپس محاسبه ضرایب تبدیل غذایی دام‌های هر گروه انجام شد. دوره پروار تا رسیدن گوساله‌ها به وزن مناسب ادامه یافت. در پایان دوره، تعداد ۵ رأس از گوساله‌های هر گروه، پس از ۱۲ ساعت محرومیت از غذا، توزین و ذبح شدند و وزن و بازده لاشه و ضخامت چربی روی دنده ۱۲ گوساله‌ها اندازه‌گیری شد. تجزیه داده‌های مربوط به مصرف خوراک و افزایش وزن دام‌ها به‌صورت اندازه‌گیری‌های تکرار شده در زمان انجام شد و مقایسه میانگین‌ها با آزمون دانکن صورت پذیرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که کل افزایش وزن گوساله‌ها در دوره پروار، برای گوساله‌های دورگ بومی- سیمنتال و دورگ بومی- هلشتاین به‌ترتیب ۳۶۰ و ۳۳۶ کیلوگرم بود که نشان دهنده افزایش وزن بالاتر (۲۴ کیلوگرم) گوساله‌های دورگ بومی- سیمنتال بود ($p=0/03$). میانگین افزایش وزن ماهانه گوساله‌های دورگ بومی- سیمنتال و بومی- هلشتاین در یک دوره پروار به‌ترتیب برابر با ۴۰ و ۳۷/۳۰۰ کیلوگرم و افزایش وزن روزانه آنها به‌ترتیب ۱/۳۳۰ و ۱/۲۴۰ کیلوگرم کیلوگرم در ماه بود ($p=0/032$). میانگین ماده خشک مصرفی روزانه در طول دوره پروار برای گوساله‌های دورگ سیمنتال و دورگ هلشتاین به‌ترتیب برابر با ۸/۰۵ و ۸/۲۸ کیلوگرم بود که تفاوت بین آنها معنی‌دار نبود. میانگین ضریب تبدیل غذایی در کل دوره پروار برای گوساله‌های دورگ سیمنتال و دورگ هلشتاین به‌ترتیب ۶/۰۵ و ۶/۶۷ بود که تفاوت بین دو گروه معنی‌دار بود ($p=0/04$). میانگین بازده لاشه گرم گوساله‌های دورگ سیمنتال و دورگ هلشتاین در پایان ۹ ماه پروار ۵۵/۴۵ و ۵۲/۲۷ درصد بود که تفاوت معنی‌داری بین دو گروه وجود داشت ($p=0/01$). ضخامت چربی پشتی بین دنده‌های ۱۲ و ۱۳ با تفاوت معنی‌داری در گوساله‌های دورگ سیمنتال کمتر از گوساله‌های دورگ هلشتاین (به‌ترتیب ۶/۰۵ و ۶/۷۵ میلی متر) و ضخامت عضله راسته در محدوده دنده‌های ۱۲ و ۱۳ با تفاوت معنی‌داری در گوساله‌های دورگ سیمنتال بیشتر از گوساله‌های هلشتاین بود (به‌ترتیب ۵۳/۶۲ و ۵۱/۴ میلی متر) ($p=0/035$).

نتیجه‌گیری: نتایج حاصل شده از این پژوهش نشان داد که گوساله‌های دورگ بومی- سیمنتال دارای راندمان بهتری از نظر رشد، بازده غذایی و ویژگی‌های لاشه و گوشت نسبت به گوساله‌های دورگ بومی- هلشتاین هستند. لذا برای اقتصادی کردن تولید گوشت و تأمین گوشت قرمز مورد نیاز کشور از منابع داخلی پیشنهاد می‌شود که در صورت امکان تعدادی از پرواربندی‌های کشور، اقدام به پروار نمودن این نژاد پربازده نمایند.

واژه‌های کلیدی: پرواربندی، سیمنتال، عملکرد، گوساله دورگ، هلشتاین

مقدمه

اختصاص داده است (Statistical Center of Iran, 2018).
میرشمس‌الهی و همکاران (Mirshamsollahi et al., 2015) در پژوهشی که به‌منظور بررسی وضعیت مدیریت تغذیه پرواربندی‌های صنعتی گوساله استان مرکزی انجام دادند، گزارش کردند که ۷۲/۹۷ درصد از پرواربندان استان، گوساله‌های دورگ، و ۲۷/۰۳ درصد از پرواربندان، گوساله‌های اصیل را برای پروار نمودن خریداری می‌کنند.

استان مرکزی از جمله قطب‌های مهم پرواربندی گوساله در کشور تلقی می‌شود. این استان با دارا بودن ۳۷۰ هزار رأس گاو و گوساله اعم از اصیل، دورگ و بومی، بیش از ۴/۴ درصد از کل جمعیت گاو و گوساله ایران را در اختیار داشته و در بین استان‌های کشور حائز مقام دوازدهم می‌باشد. ضمن اینکه، این استان با تولید ۱۵ هزار تن گوشت گاو و گوساله حدود ۳/۳ درصد تولید گوشت قرمز گاو و گوساله کشور را به‌خود

نژادها ارجحیت دارد، درصد تولید گوشت لاشه مطلوب و کیفیت گوشت بالاتر نسبت به دیگر نژادها مانند هلشتاین است (Lukic et al., 2016). با توجه به اینکه اغلب استان‌های کشور و از جمله استان مرکزی، فاقد یک نژاد گوشتی مطلوب برای پرواربندی بوده و اغلب، گوساله‌های نر خالص یا دورگ نژاد هلشتاین توسط دامداران، پروار می‌شوند و با توجه به شیرینی بودن این نژاد و مطلوبیت کمتر صفات پروار و لاشه این گوساله‌ها نسبت به گوساله‌های نر نژاد گوشتی، لزوم توجه به یک نژاد دوماظوره بیشتر می‌شود. بنابراین، با توجه به دوماظوره بودن گاو سیمنتال و مطلوبیت تولید شیر و گوشت این نژاد و نیز مقاوم بودن آن به شرایط آب و هوایی مختلف و همچنین توزیع اسپرم‌های نژاد خالص توسط شرکتهای معتبر داخلی به معاونت‌های امور دام برخی از استان‌ها، برای آمیخته‌گری این نژاد با نژاد هلشتاین، برای رسیدن به صفات اقتصادی مطلوب‌تر، لزوم بررسی عملکرد و ویژگی‌های پروار این گوساله‌ها بیشتر است. همچنین در سال‌های اخیر علاقه زیادی از سوی دامداران استان برای پرواربندی گوساله‌های نژاد سیمنتال، به دلیل آرام بودن و بازده تولید گوشت مطلوب‌تر و نیز سازگاری با شرایط آب و هوایی این استان به‌وجود آمده است. لذا این پژوهش به منظور مقایسه عملکرد پروار و ویژگی‌های لاشه گوساله‌های دورگ هلشتاین و آمیخته‌های سیمنتال که توسط پرواربندان گوساله استان از استان گلستان (بندرترکمن، آق قلا و ...) خریداری شده و پروار می‌شوند، اجرا شد.

مواد و روش‌ها

این پژوهش در یکی از واحدهای پرواربندی گوساله واقع در مجتمع دامداری تلخاب از توابع شهر فراهان در استان مرکزی انجام شد. برای این منظور تعداد ۶۰ راس گوساله نر با میانگین وزنی 10 ± 160 کیلوگرم و میانگین سنی 1 ± 7 ماه از دو نژاد به دو گروه تقسیم شدند، به طوری‌که در یک گروه ۳۰ راس گوساله دورگ بومی-هلشتاین (گوساله‌هایی که اغلب از تلاقی گاوهای نر نژاد خالص هلشتاین با ماده‌های نژاد بومی جنگلی استانهای شمالی به‌وجود آمده‌اند) و در گروه دیگر ۳۰ راس از آمیخته‌های بومی-سیمنتال (گوساله‌هایی که از تلاقی ماده‌های نژاد بومی جنگلی استانهای شمالی با نرهای خالص سیمنتال به‌وجود آمده‌اند) قرار داده شدند. به نحوی که کمترین تفاوت از نظر وزن و وضعیت بدنی بین دو گروه وجود داشت. سپس برای هر یک از گروه‌ها، بر اساس وزن گوساله‌ها و با توجه به مواد خوراکی مناسب و قابل دسترس در واحد، جیره‌های متعادل و بهینه بر پایه احتیاجات مواد مغذی ارائه شده در جداول NRC گاوهای گوشتی سال ۲۰۰۰ تنظیم شد (NRC, 2000) و بر اساس روش خوراک‌دهی بهینه (خوراک‌دهی کاملاً مخلوط) و بعد از طی یک دوره عادت‌پذیری غذایی ۱۴ روزه، جیره‌های متوازن در اختیار گوساله‌ها، قرار گرفت. در طی دوره پروار از دو جیره استفاده شد. جیره آغازین از ابتدای پروار تا زمان رسیدن گوساله‌ها به وزن ۳۵۰ کیلوگرم، و جیره پایانی از وزن ۳۵۰ کیلوگرم تا آخر دوره پروار استفاده شد. میانگین میزان مصرف علوفه به کنسانتره در کل دوره حدود ۴۰ به ۶۰ درصد تنظیم

آمیخته‌گری روشی است برای افزایش بهره‌وری و اصلاح نژاد حیوانات که تأثیر به‌سزایی در بهبود گونه‌ها دارد (Gorbani and Behpai, 2020). این رویکرد، روش متداولی برای بهره‌مندی از تفاوت‌های ژنتیکی و قابلیت ترکیب‌پذیری عام و خاص ژن‌ها در نژادهای مختلف با هدف بهبود ظرفیت‌های موجود با ترکیب ساختار ژنوم نژادهای غیربومی است (Farzaneh Dizaj et al., 2022).

بارتون و همکاران (Barton et al., 2006) با مقایسه تأثیر نژاد بر عملکرد رشد و ترکیبات لاشه گوساله‌های نر آبردین آنگوس، کارولیس، هرفورد و سیمنتال، نشان دادند که وزن نهایی کشتار برای گوساله‌های نژادهای آبردین آنگوس و هرفورد که بلوغ زودرس‌تری دارند، ۵۵۰ کیلوگرم و برای گوساله‌های کارولیس و سیمنتال که بلوغ دیرتری دارند، ۶۳۰ کیلوگرم است. گوساله‌های نر کارولیس و سیمنتال، رشد و اضافه وزن بیشتری نسبت به آبردین آنگوس داشتند و گوساله‌های هرفورد هم حدوداً این دو گروه بودند. به عبارت دیگر گوساله‌هایی که بلوغ دیرتری دارند، تمایل بیشتری برای دستیابی به افزایش وزن بیشتر، تولید چربی کمتر و درصد بیشتری از گوشت، در مقایسه با حیوانات با بلوغ زودتر را دارا هستند. پرورش‌دهندگان دام‌های پرواری برای برآورده کردن خواسته‌های مصرف‌کنندگان و افزایش تقاضا برای مصرف گوشت باید درصد تولید لاشه‌ای با حداکثر عضله و حداقل چربی باشند. بهبود در عملکرد صفات تولیدی در گله‌های گاو می‌تواند با بهبود در مدیریت، تغذیه و بهبود ژنتیکی حاصل شود (McClure et al., 2012). تنوع ژنتیکی داخل و بین نژادها اهمیت زیادی دارد. در صورت استفاده از نژادها و تلاقی‌های مناسب، آمیخته‌گری یکی از روش‌های بهبود عملکرد صفات رشد در گاو است که در بسیاری از کشورها به‌ویژه در سیستم‌هایی که تولید گوشت هدف اصلی است به طور وسیعی مورد استفاده قرار گرفته است (Irshad et al., 2010; Warner et al., 2013). هوسکونن و همکاران (Huuskonen et al., 2013) ضمن مقایسه میزان تولید گوشت و صفات لاشه گوساله‌های هلشتاین فریزین خالص با گوساله‌های آمیخته هلشتاین فریزین × یکی از نژادهای گوشتی، نشان دادند که آمیخته‌گری گاوهای هلشتاین با نژادهای با بلوغ دیررس مانند کارولیس، لیموزین و سیمنتال، باعث ایجاد اثرات مطلوبی در افزایش وزن لاشه و کیفیت آن در مقایسه با لاشه گوساله‌های هلشتاین خالص می‌شود.

نژاد هلشتاین یکی از نژادهای شیری است که در سرتاسر ایران در درجه اول برای تولید شیر و در درجه دوم برای تولید گوشت پرورش می‌یابد اما صنعت گوشت ایران نیازمند ژنوتیپ‌های جدید گاو جهت تولید گوشت بیشتر با کمترین خوراک مصرفی و بالاترین راندمان لاشه و نیز کیفیت گوشت تولیدی مطلوب با بازار پسندی بالا تحت شرایط پرورش متمرکز است (Favero et al., 2019; Rezagholivand et al., 2019). از مهمترین ویژگی‌های گاو سیمنتال، سازگار بودن با شرایط آب و هوایی مختلف، پائین‌تر بودن شرایط نگهداری مانند مقدار تغذیه و هزینه‌های درمانی و غیره، دو منظوره بودن، به‌طوری‌که توانایی تولید گوشت آن بر دیگر

و پا و امعاء و احشاء و خون و پوست اندازه‌گیری می‌شود)، بازده لاشه گرم، میزان چربی قابل جدا شدن توزین و ثبت شده و ضخامت چربی روی دنده ۱۲ و سطح مقطع ماهیچه راسته در حد فاصل دنده‌های ۱۲ و ۱۳ اندازه‌گیری شد. کلیه داده‌ها با استفاده از رویه مدل‌های آمیخته^۱ در نرم‌افزار آماری SAS (۹/۱) و با در نظر گرفتن اثر ثابت (تیمار) و وزن اولیه دام‌ها به‌عنوان متغیر کمکی مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند. تجزیه داده‌های مربوط به مصرف خوراک و افزایش وزن دام‌ها به‌صورت اندازه‌گیری‌های تکرار شده در زمان انجام شد و مقایسه میانگین‌ها با آزمون دانکن صورت پذیرفت. مدل آماری تجزیه آماری به‌صورت زیر می‌باشد:

$y_{ij} = \mu + b_{iw} + T_i + e_{ij}$
که در این مدل y_{ij} ، مقدار هر مشاهده؛ μ ، میانگین کل؛ b_i ، ضریب کوواریت؛ T_i ، اثر تیمار و e_{ij} ، اثر خطای آزمایشی بود.

گردید. در طول دوره پروار، خوراک مصرفی روزانه در سه نوبت و تا حد اشتها در اختیار گوساله‌ها قرار گرفت. میزان خوراک مصرفی روزانه ثبت شد. توزین گوساله‌ها در ابتدای دوره انجام شده و سپس دام‌ها ماهیانه یک بار پس از ۱۲ ساعت محرومیت از غذا و قبل از تغذیه صبح توزین شدند. دوره پروار برای مدت ۹ ماه ادامه یافت و در طول دوره پروار میزان خوراک داده شده و پس‌آخور جمع‌آوری شده و روزانه توزین گردید. در طول دوره آزمایش، افزایش وزن روزانه، مصرف خوراک و ضریب تبدیل خوراک اندازه‌گیری و ثبت شد. مواد خوراکی و ترکیبات شیمیایی جیره‌های مصرفی گوساله‌ها در جدول یک آورده شده است. در پایان دوره تعداد ۵ رأس از گوساله‌های هر گروه که نشان‌دهنده میانگین هر گروه بودند، پس از ۱۲ ساعت محرومیت از غذا، توزین و ذبح شد و صفات وزن لاشه گرم (که بعد از جدا کردن سر و دست

جدول ۱- مواد خوراکی و ترکیبات شیمیایی جیره‌های آزمایشی مورد استفاده برای پروار گوساله‌ها در مراحل مختلف (بر حسب درصد ماده خشک)

جیره گوساله‌ها در مراحل مختلف پروار Calves diet in different fattening stages		مواد خوراکی جیره Components of diet
جیره پایانی (از وزن ۳۵۰ کیلوگرم تا پایان پروار) Final ration (from 350 kg to the end of fattening)	جیره آغازین (از ابتدا تا وزن ۳۵۰ کیلوگرم) Initial ration (from the beginning up to 350 kg weight)	
22	18.00	سبوس گندم Wheat bran
26	18.00	دانه جو Barley grain
13.44	14.42	دانه ذرت Corn grain
20.00	25.00	یونجه خشک Alfa alfa hay
3.07	7.19	کنجاله سویا Soybean meal
14.00	16.00	کاه گندم Wheat straw
0.50	0.50	سنگ آهک Limestone
0.19	0.19	نمک Salt
0.30	0.20	بیکربنات سدیم Sodium bicarbonate
0.50	0.50	مکمل ویتامینی و معدنی Vitamin-Mineral premix
		ترکیبات مواد مغذی جیره‌ها Nutrients
2.49	2.44	انرژی قابل متابولیسم Metabolizable energy (Mcal/Kg)
12.20	13.4	پروتئین خام (درصد) Crude protein (%)
0.54	0.62	کلسیم (درصد) Calcium (%)
0.51	0.47	فسفر (درصد) Phosphorus (%)
36.88	37.46	الیاف نامحلول در شوینده خنثی (درصد) Neutral detergent fibre (%)
20.50	22.43	الیاف نامحلول در شوینده اسیدی (درصد) Acid detergent fibre (%)
40.21	37.34	کربوهیدرات‌های غیرالیافی Non-fiber carbohydrates (%)
6.75	7.09	خاکستر (درصد) Ash (%)

(based on dry matter percentage)

* ترکیبات: ۶۰۰ هزار واحد بین‌المللی ویتامین A، ۲۰۰ هزار واحد بین‌المللی ویتامین D، ۲۰۰ میلی‌گرم ویتامین E، ۲۵۰۰ میلی‌گرم آنتی‌اکسیدان، ۱۹۵ گرم کلسیم، ۸۰ گرم فسفر، ۲۱۰۰۰ میلی‌گرم منیزیم، ۲۲۰۰ میلی‌گرم منگنز، ۳۰۰۰ میلی‌گرم آهن، ۳۰۰ میلی‌گرم مس، ۳۰۰ میلی‌گرم روی، ۱۰۰ میلی‌گرم کبالت، ۱۲۰ میلی‌گرم ید و ۱/۱ میلی‌گرم سلنیوم.

* Composition: 600,000 IU/kg of vitamin A, 200,000 IU/kg of vitamin D, 200 mg/kg of vitamin E, 2500 mg/kg antioxidant, 195 g/kg of Ca, 80 g/kg of P, 21000 mg/kg Mg, 2200 mg/kg of Mn, 3000 mg/kg of Fe, 300 mg/kg of Zn, 300 mg/kg of Cu, 100 mg/kg of Co, 120 mg/kg of I and 1/1 mg/kg of Se.

نتایج و بحث

جدول ۲ و ۳، مقایسه میانگین صفات افزایش وزن ماهانه، افزایش وزن روزانه و ماده خشک مصرفی را در بین دو نژاد دورگ بومی- سیمنتال و دو رگ بومی- هلشتاین به تفکیک هر ماه، در طی دوره ۹ ماهه پروار نشان می‌دهد. با بررسی داده‌های موجود در جدول ۲، ملاحظه می‌گردد که افزایش وزن ماهانه به غیر از ماه ششم در بقیه ماه‌های پروار، در گوساله‌های دورگ بومی- سیمنتال بیشتر از دورگ‌های بومی- هلشتاین بود و برای ماه‌های اول، دوم، هفتم، هشتم و نهم دوره پروار، افزایش وزن گوساله‌های بومی- سیمنتال با اختلاف معنی‌داری بالاتر از گوساله‌های دورگ بومی- هلشتاین بود. همانگونه که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود در مورد صفت وزن شروع پروار، بین دو گروه تفاوت معنی‌داری وجود نداشت (وزن شروع پروار در گوساله‌های دورگ بومی- سیمنتال و بومی- هلشتاین به ترتیب ۱۷۰ و ۱۵۲ کیلوگرم بود)، ولی در مورد صفت وزن پایان پروار تفاوت بین دو گروه (به ترتیب ۵۳۰ و ۴۸۸ کیلوگرم) معنی‌دار بود ($P=0/01$). با بررسی داده‌های موجود در این جدول، ملاحظه می‌شود که در کل دوره پروار، افزایش وزن گوساله‌های دورگ بومی- سیمنتال، بالاتر از گوساله‌های دورگ بومی- هلشتاین بود ($P=0/03$). به‌طوری‌که میانگین افزایش وزن ماهانه گوساله‌های دورگ بومی- سیمنتال و دورگ بومی- هلشتاین در یک دوره پروار به ترتیب برابر با ۴۰ و ۳۷/۳۰ کیلوگرم در ماه بود. همچنین میانگین افزایش وزن روزانه گوساله‌های سیمنتال و هلشتاین در کل دوره به ترتیب برابر با ۱/۳۳۰ و ۱/۲۴۰ کیلوگرم در روز بود که تفاوت معنی‌داری داشتند ($P=0/032$).

در پژوهش لیوی و همکاران (Levi et al., 1976) که طی آن، توان رشد گوساله‌های هلشتاین در دو ایستگاه متفاوت واقع در کشور آلمان مورد بررسی قرار گرفت، افزایش وزن روزانه بین ۱۲۰۶ تا ۱۲۵۹ گرم گزارش شد. در پژوهش دیگری، میانگین افزایش وزن روزانه گوساله‌های هلشتاین طی دوره پرواربندی از وزن شروع ۷۰ تا وزن پایانی ۵۰۰ کیلوگرم بین ۱۰۸۷ تا ۱۱۴۸ گرم گزارش شد (Lueke et al., 1991). میانگین افزایش وزن روزانه گوساله‌ها در آزمایش حاضر با یافته‌های گزارش شده مزبور مشابهت دارد. افزایش وزن گوساله‌های پرواری تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند استعداد دام، سن شروع و پایان، سطح انرژی و مواد مغذی جیره غذایی، مدیریت تغذیه، بهداشت و شرایط محیطی قرار می‌گیرد. از این رو نتایج متفاوتی در گزارش‌های منتشر شده مشاهده می‌شود.

رضاقلی‌وند و همکاران (Rezagholivand et al., 2019) در پژوهشی که بر روی گوساله‌های خالص هلشتاین و آمیخته‌های آن با شاروله، انگوس و لیموزین انجام دادند، گزارش نمودند که افزایش وزن روزانه گوساله‌های آمیخته به‌طور معنی‌داری بیشتر از گوساله‌های خالص بود، همچنین مصرف ماده خشک گوساله‌های آمیخته بیشتر از گوساله‌های خالص هلشتاین بود، اما ضریب تبدیل غذایی گوساله‌های

خالص هلشتاین با آمیخته‌ها بجز آمیخته انگوس× هلشتاین در یک سطح بود.

همانگونه که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود میانگین ماده خشک مصرفی روزانه گوساله‌های دورگ بومی- سیمنتال و دورگ بومی- هلشتاین در طول دوره پروار به ترتیب برابر با ۸/۰۵ و ۸/۲۵ کیلوگرم در روز بود که تفاوت معنی‌داری با هم نداشتند.

میزان مصرف خوراک تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند نوع دام، نژاد دام، سن، وزن، وضعیت فیزیولوژیکی، مدیریت پرورش دام از بدو تولد، نوع و نسبت مواد خوراکی در جیره غذایی و شکل فیزیکی آن و مدیریت تغذیه قرار می‌گیرد (Gholami, 1996). در یک آزمایش میانگین خوراک مصرفی روزانه گوساله‌های هلشتاین که با جیره کامل مخلوط تغذیه شدند، در کل دوره، ۷/۵ کیلوگرم در روز گزارش شد (Fazaeli et al., 2006) که با یافته‌های آزمایش حاضر مطابقت دارد. در پژوهش روغنی و همکاران (Roghani et al., 2016)، گوساله‌های نر هلشتاین با سن ۶-۷ ماه و وزن اولیه حدود ۱۸۸ کیلوگرم به مدت ۱۶۰ روز با جیره‌های حاوی ۵۰ درصد علوفه و ۵۰ درصد کنسانتره (بر اساس ماده خشک) تغذیه شدند و میانگین خوراک مصرفی روزانه در کل دوره ۷/۲۱ تا ۷/۳۲ کیلوگرم بود.

در مورد صفت ضریب تبدیل غذایی نیز میانگین ضریب تبدیل غذایی گوساله‌های دورگ بومی- سیمنتال و دورگ بومی- هلشتاین در طول دوره پروار به ترتیب ۶/۰۵ و ۶/۶۷ بوده که تفاوت معنی‌داری دارند ($P=0/04$). به عبارت دیگر در کل دوره پروار، گوساله‌های دورگ سیمنتال با تفاوت معنی‌داری نسبت به گوساله‌های دورگ هلشتاین، ضرایب تبدیل بهتری داشتند.

در دام‌های پرواری، ضریب تبدیل غذایی تحت تأثیر سن، وزن حیوان، استعداد رشد، طول دوره پروار، کیفیت جیره غذایی، شرایط محیطی و مدیریت تغذیه قرار می‌گیرد. میانگین ضریب تبدیل غذایی گوساله‌های هلشتاین که در دسته‌های وزنی ۲۰۰ الی ۳۵۰، ۳۵۰ الی ۴۰۰ و ۴۰۰ الی ۴۵۰ کیلوگرم پروار شدند، به ترتیب ۷/۳۸، ۷/۵۵ و ۷/۸۴ گزارش شد (Statistical Center of Iran, 2018). در پژوهش فاتحی و همکاران (Fatehi et al., 2018) گوساله‌های هلشتاین با وزن اولیه حدود ۲۷۶ کیلوگرم با جیره حاوی ۲۵ درصد علوفه و ۷۵ درصد کنسانتره به مدت ۱۱۰ روز تغذیه شدند، میانگین افزایش وزن روزانه ۱/۴۲ تا ۱/۴۸ کیلوگرم، ماده خشک مصرفی ۹/۷۲ تا ۱۰/۲۱ کیلوگرم در روز و ضریب تبدیل غذایی ۶/۶۰ تا ۶/۹۳ گزارش شد. علت تفاوت یافته‌های مزبور با نتایج پژوهش حاضر، کوتاه‌تر بودن طول دوره پروار و بالا بودن نسبت کنسانتره در جیره آزمایش مذکور است. در آزمایش دیگری که بر روی گوساله‌های هلشتاین انجام شد، ضریب تبدیل غذایی با مصرف جیره مخلوط کامل بین ۶/۹۴ تا ۷/۵۵ گزارش گردید (Fzaeli et al., 2006). همچنین در گزارش دیگری، میانگین ضریب تبدیل غذایی در گوساله‌های هلشتاین بین ۷/۰۹ تا ۷/۳۶ در جیره‌های کاملاً مخلوط گزارش شده است (Levi et al., 1976).

هلشتاین نسبت به هلشتاین ۱۳/۵۷٪ پایین‌تر است (Pfuhl et al., 2007). در پژوهشی بین آمیخته‌های هلشتاین × لیموزین و هلشتاین به‌لحاظ نرخ رشد، مصرف ماده خشک و ضریب تبدیل، تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد (Gungor et al., 2003).

در پژوهش رضاقلی‌وند و همکاران (Rezagholivand et al., 2019)، آمیخته‌های بلژین بلو × هلشتاین نسبت به هلشتاین خالص به‌ازای هر کیلوگرم افزایش وزن، ۲/۵٪ خوراک بیشتری مصرف کردند. در صورتی‌که در پژوهش دیگری نشان داده شد که نرهای نژاد شاروله نسبت به هلشتاین ۷/۶٪ خوراک کمتری مصرف می‌کنند. در یک پژوهش ضریب تبدیل آمیخته‌های شاروله ۶/۲۷ گزارش شد در حالی‌که در پژوهشی دیگر، ضریب تبدیل گوساله‌های نر خالص شاروله ۵/۸۴ گزارش شده است (Pfuhl et al., 2007).

در پژوهش حاضر گوساله‌های دورگ بومی-سیمنتال به‌لحاظ بالا بودن رشد فیزیولوژیکی بدن، دارا بودن نرخ رشد و افزایش وزن روزانه بالا، دارای بازده غذایی بهتری نسبت به گوساله‌های دورگ هلشتاین بوده‌اند.

میانگین کل خوراک مصرفی گوساله‌های دورگ بومی-سیمنتال و دورگ بومی-هلشتاین در طول دوره پروار (۲۷۰ روز) به‌ترتیب، ۲۱۷۴ و ۲۲۳۶ کیلوگرم بوده که تفاوت معنی‌داری نداشتند (جدول ۴).

نتایج پژوهش رضاقلی‌وند و همکاران (Rezagholivand et al., 2019) در مورد مقایسه عملکرد رشد و پروار گوساله‌های نر هلشتاین خالص و آمیخته‌های بلژین بلو × هلشتاین نشان داد که خوراک مصرفی گوساله‌های هلشتاین خالص به‌طور معنی‌داری پایین‌تر از آمیخته‌ها بود. اما ضریب تبدیل خوراک گوساله‌های هلشتاین نسبت به گوساله‌های آمیخته معنی‌دار نبود. مطالعات نشان دادند هزینه انرژی به‌ازای هر کیلوگرم افزایش وزن در نژاد شاروله خالص و شاروله ×

جدول ۲- مقایسه میانگین‌های افزایش وزن ماهانه و روزانه در بین دو نژاد در کل دوره آزمایش (کیلوگرم)

افزایش وزن روزانه (کیلوگرم) daily weight gain (kg)				افزایش وزن ماهانه (کیلوگرم) Monthly weight gain (kg)			
سطح معنی‌داری P-Value	SEM	هلشتاین Holstein	سیمنتال Simental	سطح معنی داری P-Value	SEM	هلشتاین Holstein	سیمنتال Simental
0.007	0.05	1.230	1.400	0.01	1.76	37.00	42
0.009	0.08	1.260	1.400	0.009	2.64	38.00	42
0.07	0.07	1.300	1.360	0.08	2.51	39.00	41
0.07	0.04	1.260	1.330	0.07	1.91	38.00	40
0.08	0.06	1.330	1.360	0.09	2.79	40.00	41
0.10	0.07	1.260	1.260	0.10	2.62	38.00	38
0.035	2.77	1.260	1.360	0.04	1.94	38.00	41
0.007	0.06	1.150	1.300	0.008	1.99	34.50	39
0.03	0.05	1.100	1.200	0.03	1.69	33.20	36
0.032	0.05	1.240	1.333	0.035	1.67	37.30	40

جدول ۳- مقایسه میانگین‌های ماده خشک مصرفی ماهانه در بین دو نژاد در کل دوره آزمایش (کیلوگرم)

خوراک مصرفی (کیلوگرم) Feed intake (kg)				
سطح معنی‌داری P-Value	SEM	هلشتاین Holstein	سیمنتال Simental	
0.18	0.40	5.78	5.50	ماه اول first month
0.04	0.50	5.60	6.12	ماه دوم second month
0.03	0.65	5.90	6.50	ماه سوم Third month
0.10	0.66	7.14	6.87	ماه چهارم Fourth month
0.03	0.82	8.98	7.57	ماه پنجم Fifth month
0.02	0.65	9.40	7.50	ماه ششم Sixth month
0.20	0.70	10.16	10.37	ماه هفتم Seventh month
0.25	0.75	10.65	10.94	ماه هشتم Eighth month
0.10	0.82	10.90	11.14	ماه نهم Ninth month
0.15	1.02	8.28	8.05	میانگین خوراک مصرفی Average feed intake

جدول ۴- مقایسه میانگین عملکرد و صفات پروار گوساله‌های دورگ سیمنتال و دورگ هلشتاین

صفات مورد بررسی The studied traits	آمیخته سیمنتال Simmental cross	آمیخته هلشتاین Holstein cross	SEM	سطح معنی داری P-Value
وزن شروع پروار (کیلوگرم) Primary weight (Kg)	170	152	7.1	0.08
وزن پایان پروار (کیلوگرم) (Kg) Final weight	530	488	9.5	0.01
افزایش وزن کل دوره پروار (کیلوگرم) Total weight gain (Kg)	360	336	10.9	0.03
افزایش وزن ماهانه (کیلوگرم) Monthly weight gain (Kg)	40.00	37.30	1.67	0.035
افزایش وزن روزانه (کیلوگرم) Daily weight gain (Kg)	1.330	1.240	0.05	0.032
ماده خشک مصرفی روزانه (کیلوگرم) Dry matter intake (Kg)	8.05	8.28	1.02	0.15
ضریب تبدیل غذایی Feed conversion ratio	6.05	6.67	0.16	0.04
کل خوراک مصرفی (کیلوگرم) Total consumed feed (Kg)	2174	2236	66.02	0.2

مقابل ضخامت عضله راسته در محدوده دنده ۱۲ و ۱۳ در گوساله‌های دورگ بومی- سیمنتال بیشتر از گوساله‌های دورگ- بومی هلشتاین بود ($p=0.035$).

حاج رجبعلی و خجسته کی (Haj Rajabali and Khojaste, 2017) گزارش کردند که میانگین وزن لاشه گرم و بازده لاشه گوساله‌های آمیخته سیمنتال $\times$ هلشتاین بیشتر از گوساله‌های هلشتاین می‌باشد. در پژوهش رضاقلی‌وند و همکاران (Rezagholivand et al., 2019) نیز راندمان لاشه آمیخته‌های بلژین بلو نسبت به هلشتاین خالص به‌طور معنی‌داری بالاتر بود، همچنین چربی لاشه هلشتاین خالص نسبت به آمیخته‌های بلژین بلو به‌طور معنی‌داری بالاتر بود. همچنین بیشترین مقدار چربی (روی لاشه و احشایی) در هلشتاین خالص و کمترین آن در آمیخته‌های بلژین بلو وجود داشت. پژوهشی نشان داد که درصد چربی زیر پوستی لاشه نژاد شاروله خالص نسبت به نژاد هلشتاین آلمان، ۱۵٪ کمتر است (Pfuhl et al., 2007). به‌طور کلی، نژادهای زود بالغ شونده مثل آنگوس و هلشتاین چربی نسبتاً بیشتری نسبت به نژادهای دیر بالغ شونده شامل بلژین بلو و سیمنتال تولید می‌نمایند؛ به ویژه اگر در وزن‌های پایین ذبح شوند (Wheeler et al., 2005).

مقایسات صفات لاشه گوساله‌های دو نژاد مورد بررسی در جدول ۵ نشان داده شده است. ملاحظه می‌شود که میانگین وزن زنده دام‌های انتخاب شده برای کشتار در گروه نژاد سیمنتال ۵۳۰ کیلوگرم و در گروه نژاد هلشتاین، ۴۸۸ کیلوگرم بود که تفاوت معنی‌داری با هم داشتند ($p=0.01$). همچنین میانگین وزن لاشه گرم گوساله‌های دو گروه نیز تفاوت معنی‌داری با یکدیگر داشتند (۲۹۳/۸۸ و ۲۵۵/۰۷ کیلوگرم) ($p=0.008$) (جدول ۳).

لاشه گرم گوساله‌ها، بعد از جدا کردن سر و دست و پا و امعاء و احشاء و خون و پوست اندازه‌گیری شد. ملاحظه می‌شود که بازده لاشه در گوساله‌های دورگ بومی- سیمنتال ۵۵/۴۵ درصد و در گوساله‌های دورگ بومی- هلشتاین ۵۲/۲۷ درصد بود، به‌طوری‌که راندمان تولید گوشت در گوساله‌های دورگ بومی- سیمنتال با تفاوت معنی‌داری بیشتر از دورگ‌های بومی- هلشتاین بود ($p=0.01$). در این جدول مشاهده می‌شود که ضخامت چربی پشتی در محدوده دنده‌های ۱۲ و ۱۳ در گوساله‌های دورگ نژاد سیمنتال و هلشتاین به ترتیب ۶/۰۵ و ۶/۷۵ میلی متر است که در گوساله‌های دورگ بومی- سیمنتال با تفاوت معنی‌داری کمتر از گوساله‌های دورگ بومی- هلشتاین است ($p=0.04$). به عبارت دیگر گوساله‌های هلشتاین لاشه چرب‌تری داشتند. در

جدول ۵- مقایسه صفات لاشه در گوساله‌های دورگ سیمنتال و دورگ هلشتاین

صفات مورد بررسی The studied traits	آمیخته سیمنتال Simmental cross	آمیخته هلشتاین Holstein cross	SEM	سطح معنی داری P-Value
وزن زنده دام (کیلوگرم) live weight (kg)	530	488	8.3	0.01
وزن لاشه گرم (کیلوگرم) carcass weight (kg)	293.88	255.07	5.5	0.008
بازده لاشه (درصد) Carcass yield (%)	55.45	52.27	0.307	0.01
ضخامت چربی بین دنده ۱۲ و ۱۳ (میلی متر) Fat thickness between ribs 12 and 13 (mm)	6.05	6.75	0.26	0.04
ضخامت عضله راسته بین دنده ۱۲ و ۱۳ (میلی متر) straight muscle thickness between of 12th and 13th ribs (mm)	53.62	51.4	0.59	0.035

نتیجه‌گیری کلی و پیشنهادات

نتایج حاصل شده از این پژوهش نشان می‌دهد که گوساله‌های دورگ بومی- سیمنتال دارای راندمان بهتری در رشد، بازده غذایی و ویژگی‌های لاشه و گوشت نسبت به

گوساله‌های دورگ بومی- هلشتاین هستند و این امر با گزارشات ارائه شده توسط بسیاری از محققین مطابقت دارد. لذا برای اقتصادی کردن تولید گوشت و تأمین گوشت قرمز مورد نیاز کشور از منابع داخلی پیشنهاد می‌شود که در صورت

امکان تعدادی از پرواربندی‌های کشور، اقدام به پروار نمودن این نژاد پرورده نمایند.

References

- Asadzadeh, N., Fazaeli, H., Sadeghi Panah, A., Zahedifar, M., & Aghashahi, A. (2012). Comparison of fattening performance of male Holstein and Montbeliard calves using complete block feed. Final report of the research project. *Animal Science Research Institute of Iran* (In Persian).
- Barton, L., Rehak, D., Teslik, V., Bures, D., & Zahradkova, R. (2006). Effect of breed on growth performance and carcass composition of Aberdeen Angus, Charolais, Hereford and Simmental bulls. *Czech Journal Animal Science*, 51(2), 47-53.
- Fatehi, F., Reza Yazdi, K., Dehghan Banadaki, M., & Moradi Shahr Babak, M. (2018). The effect of different ratios of barley grain to corn grain on growth performance and carcass characteristics of Holstein male calves. *Animal Science Research Journal*, 1/19 (2), 111-123 (In Persian).
- Farzaneh Dizaj, R., Amin-Afshar, M., EsmailKhanian, S., Emamjomeh-Kashan, N., & Banabazi, M.H. (2022). The Single Nucleotide Polymorphisms (SNP) Discovery on Transcriptome of Pure Sistani and Cross-Breeding of Sistani and Holstein, Simmental and Monte Billiard Bulls. *Research on Animal Production*, 13(35), 149-157 (In Persian).
- Favero, R., Menezes, G.D.O., Torres, R.A.A., Silva, L.O.C., Bonin, M.N., Feijó, G.L.D., & Gomes, R.D.C. (2019). Crossbreeding applied to systems of beef cattle production to improve performance traits and carcass quality. *Animal*, 13, 2679-2686.
- Fazaeli, H., Golmohammadi, H.A., Al-Moddarras, A., Mosharraf, S., & Shoaie, A.A. (2006). Comparing the Performance of Sorghum Silage with Maize Silage in Feedlot Calves. *Pakistan Journal of Biological Science*, 9(13), 2450-2455.
- Gholami, H. (1996). Use of cottonseed husk enriched with urea in feeding dairy cows and fattening calves. Master's thesis of Animal Science Department. Faculty of Agriculture, University of Tehran (In Persian).
- Gorbani, A., & Behpai, M. (2020). Association of GDF9 Gene Polymorphism with Sperm Quality and Quantity traits in Iranian Holstein Bulls. *Research Animal Production*, 11(27), 95-100 (In Persian).
- Güngör, M., Alçiçek, A., & Önenç, A. (2003). Feedlot Performance and Slaughter Traits of Friesian, Piemontese x Friesian and Limousin x Friesian Young Bulls under Intensive Beef Production System in Turkey. *Journal of Applied Animal Research*, 24, 129-136.
- Haj Rajabali, H., & Khojaste-ki, M. (2017). Getting to know the dual-purpose Simmental cattle breeding. Promotion management of Qom province. Promotional magazine (In Persian).
- Huuskonen, A., Pesonen, M., Kamarainen, H., & Kauppinen, R. (2013). A comparison of purebred Holstein-Friesian and Holstein-Friesian x beef breed bulls for beef production and carcass traits. *Agriculture and Food Science*, 22, 262-271.
- Irshad, A., Kandeepan, G., Kumar, S., Ashish Kumar, A., Vishnuraj, M. R., & Shukla, V. (2013). Factors influencing carcass composition of livestock: A review. *Journal of Animal Production Advances*, 3, 177-186.
- Levi, U., Levy, D., & Hollzer, Z. (1976). Jungbullenmast mit energieamem pelletiertem Alleinfutter. Zuechtungskunde No.1. Printed in Germany.
- Lueke, F., & Muensch, W. (1991). Fleischrinder of Herz and Nieren geprüft. Top agar extra. Printed in Germany.
- Lukic, M., Ivanovic, J., Janjic, J., Jordjevic, J., Markovic, R., & Baltic, M. Z. (2016). Carcass performance of Simmental and Holstein Friesian beef cattle in Serbia. *Meat Technology*, 57(2), 95-101.
- McClure, M. C., Ramey, H.R., Rolf, M.M., McKay, S.D., Decker, J.E., Chapple, R.H., Kim, J.W., Taxis, T.M., Weber, R.L., Schnabel, R.D., & Taylor, J.F. (2012). Genome-wide association analysis for quantitative trait loci influencing Warner-Bratzler shear force in five taurine cattle breeds. *Animal Genetic*, 43, 662-673.
- Mirshamsollahi, A., Talebian Masoudi, A.R., Azizi, R.A., Gholami, H., Bagheri, M., & Nadrinia, H. (2015). Investigation of nutrition management in industrial calf rearing in Central Province. Final report of the research project. Research and Education Center for Agriculture and Natural Resources of Central Province (In Persian).
- NRC. (2000). Nutrient Requirements of Beef Cattle. (8 th ED) National Academy Press Washington D.C.
- Pfuhl, R.A.L.F., Bellmann, O.L.A.F., Kuhn, C., Teuscher, F.R.I.E., Ender, K., & Wegner, J. (2007). Beef versus dairy cattle: a comparison of feed conversion, carcass composition, and meat quality. *Archives Animal Breeding*, 50, 59-70.
- Rezagholivand, A., Rajaei, A., Khabazan, M.H., Hosseini, M.R., Dehghan, M., & Mokhtabad, Y. (2019). Comparison of growth performance, carcass characteristics, and economic utility of Belgian Blue x Holstein hybrids with pure Holstein calves. *Ruminant Research Journal*, 8(4), 97-108 (In Persian).
- Roghani, A., Arab, M., Zamiri, M.J., & Khalife, A. (2016). The effect of zeolite on fattening performance and carcass characteristics of fattening calves fed corn silage enriched with urea. *Research and development in livestock and aquatic matters*, 76, 43-50 (In Persian).
- Statistical Center of Iran. Vice President of Planning and Strategic Supervision. (2018). Summary of the statistical results of the country's industrial cattle farms.
- Warner, R. D., Greenwood, P. L., Pethick, D. W., & Ferguson, D. M. (2010). Genetic and environmental effects on meat quality. *Meat Science*, 86, 171-183.
- Wheeler T.L., Cundiff, L.V., Shackelford, S.D., & Koohmaraie, M. (2005). Characterization of biological types of cattle (cycle VII): Carcass, yield, and longissimus palatability traits. *Journal Animal Science*, 83, 196-207.